

یکشنبه ۱۵ بهمن ۱۳۹۱ • سال دهم • شماره ۱۶۶۳ • ۷

روزنامه		
جامعه		
واریس چیست و چرا به وجود می آید، گفت‌وگو با شروین نجفی‌زاده		صفحه ۸
پیرامون مجازات‌ها در ملأعام، گفت‌وگو با محمد برومند		صفحه ۹
سونامی سرطان در راه ایران، دکتر فرهاد سمیعی		صفحه ۱۰

گفت‌وگو
پرشش از ما پاسخ از یک وکیل دادگستری و حقوقدان آنچه باید درباره دیه بدانید فروغ صادقی
دیه از چه زمانی به صورت رسمی در ایران به قانون بدل و اجرایی شد؟ علاوه بر این جزئیات دیگری که پیرامون این امر مهم وجود دارد چیست، بدون تردید بسیاری از ما اطلاعات چندانی در مورد موارد مهم قانونی مانند قانون دیات نداریم، با این حال هیچ بعید نیست که در نهایت یک روز خواسته یا ناخواسته سروکار هر کداممان به محاکم قضایی‌بخشد یا به عنوان شاکی یا به عنوان متشاکی در گیر ماجرای دیه شویم. پس بهترین کار این است که از همین الان جزئیات مربوط به این قانون را ولو به صورتی کوتاه و گذری نگاه کنیم. برای درک و دریافت اطلاعات بهتر در مورد این میحث به سراغ جمال اکوانیان وکیل پایه یک دادگستری و حقوقدان رفته‌ایم تا اطلاعات پایه و لازم در این‌باره را از وی بگیریم. در ادامه این حقوقدان سوال‌های ما درباره میحث دیه را پاسخ داده‌است. این متن پاسخ‌های وی است:

ک **دیه از چه سالی وارد قانون ایران شد؟**

دیه اولین بار در سال ۱۳۶۱ هجری خورشیدی به صورت رسمی و قانونی بخشی از حقوق در ایران شد. دیه کلمه‌ای عربی است که ریشه آن در فارسی به معنای خون به شناخته می‌شود. خون به‌ا خود یعنی بها و ارزش میزان خون ریخته شده.

ک **دیه چیست مجازات یا خسارت؟**

مهم‌ترین میحثی که حقوقدانان درباره دیه می‌پرسند این است که آیا دیه جزو مجازات‌هاست یا بخشی از خسارت که باید بابت صدمه وارد شده به فردی که چه در جریان جرائم عمد و چه در جریان جرائم غیرعمد آسیب دیده‌است پرداخت شود. این موضوع همیشه در میان حقوقدانان محل بحث و تبادل نظر بود. بدیهی است که اصلی‌ترین منبع ما برای کسب اطلاع در این‌باره قانون است، با مراجعه به قانون



مجازات اسلامی خواهیم دید که در ماده ۱۲ آن به صراحت آمده است: مجازات‌های مقرر در قانون بر ۵ قسم است. ۱- حدود ۲- قصاص ۳- دیات ۴- تعزیرات ۵ - مجازات‌های بازدارنده. همان‌گونه که دیده می‌شود در قانون مجازات اسلامی به صراحت دیات بخشی از مجازات‌های تعیین شده اعلام شده است. حال باید پرسید که آیا این مجازات قابل بخشش هست یاخیر؟ پاسخ این است بله، چون اولیای دم در جنایات نفس یا مادن نفس مانند نقص عضو می‌توانند این مجازات را به مجرم ببخشند.

ک **میزان دیه چقدر است و چه کسی آن را تعیین می‌کند؟**

همیشه پیش از آغاز سال قوه قضاییه با در نظر گرفتن وضعیت اقتصادی و معیارهای دیگری در جامعه میزان یک دیه کامل را تعیین کرده و آن را اعلام می‌کند، که این میزان برای سال جاری برابر با ۹۴ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان دیه کامل برای مرد در ماه‌های غیرحرام تعیین شد، در چهار ماه حرام که شامل ماه‌های محرم، رجب، ذیقعد و ذیحجه است نیز یک سوم این میزان به دیه افزوده می‌شود که مبلغ آن به ۱۲۶ میلیون تومان افزایش خواهد یافت. بر اساس قانون دیه زن نصف مرد می‌است و با این شیوه دیه زن در ماه‌های غیرحرام برابر با ۴۷ میلیون و ۲۵۰ هزارتومان می‌شود و در ماه‌های حرام به ۶۳ میلیون تومان می‌رسد.

ک **این میزان با چه معیارهایی تعیین می‌شود؟**

در قانون مجازات اسلامی در ماده ۲۹۷ آمده است دیه قتل مرد مسلمان بر اساس یکی از امور شش‌گانه زیر تعیین می‌شود که قاتل یا مجرم در انتخاب هر کدام از آنها مخیر است.

۱-۱۰۰ نفر شتر سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشند
۲-۲۰۰۰ راس گاو سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشند
۳-۱۰۰۰ راس گوسفند سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشند
۴-۲۰۰۰ دست لباس سالم از حله یمن
۵-۱۰۰۰۰ دینار مسکوک سالم که هر دینار برابر یک مثقال طلاست
۶-۱۰۰۰۰۰ درهم مسکوک که هر کدام برابر با ۱۲/۶ نخود نقره است
همان‌طور که می‌بینید در این قانون نوشته شده دیه قتل مسلمان، با این حال در سال ۱۳۸۲ تبصره‌ای به این ماده اضافه شد که بر اساس آن دیه قتل مردی از اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی به اندازه هر مرد مسلمان تعیین و اعلام شد. در همین حال و با وجود این شش مورد اما بر اساس استفتایی که از علما شده است میزان اصلی همان مورد اول یعنی ۱۰۰ شتر برای تعیین میزان دیه مشخص شده است.

ک **مهلت زمانی پرداخت دیه چه مدت است؟**

بر اساس قانون در جرائم عمد مجرم موظف است دیه را در یک‌سال از تاریخ تعیین شده پرداخت کند. در جرائم غیرعمد نیز اگر جرم به تشخیص قاضی شبه عمد تعیین شود دیه باید در مدت دو سال و اگر جرم بر اثر خطا رخ داده باشد دیه باید در مدت سه سال از تاریخ تعیین معرف، شهادتش پذیرفته‌نیست.

نکته

شهادت و شاهد

شهادت عبارت است از اینکه شخصی به نفع یکی از اصحاب دعوی و بر ضرر دیگری اعلام اطلاع و خبر از وقوع امری کند. شهادت یکی از دلیل دعایو اعم از جزایی، حقوقی با سابقه بسیار طولانی است و در تمام کشورها به عنوان دلیل پذیرفته شده منتها حدود استفاده از آن و درجه اعتبار و ارزش آن متفاوت است. به دلیل اهمیت بالا هم برای شاهد و هم برای شهادت شرایط و ضوابط سنگین و دقیقی پیش‌بینی شده است. شاهد یا گواه ممکن است عینی باشد که مشاهدات خود را نقل کند. ممکن است گواه سمعی باشد که شنیده‌های خود را منتقل سازد یا شهادت او مستلزم به‌کارگیری این دو و دیگر حواس باشد.

مبانی قانونی شهادت

از ماده ۱۳۰۶ تا ۱۳۲۰ در قانون مدنی و ماده ۴۰۶ تا ۴۲۵ از قانون آیین دادرسی مدنی مربوط به شهادت است. در قانون مجازات اسلامی ماده ۶۵۰ به این مساله پرداخته است.

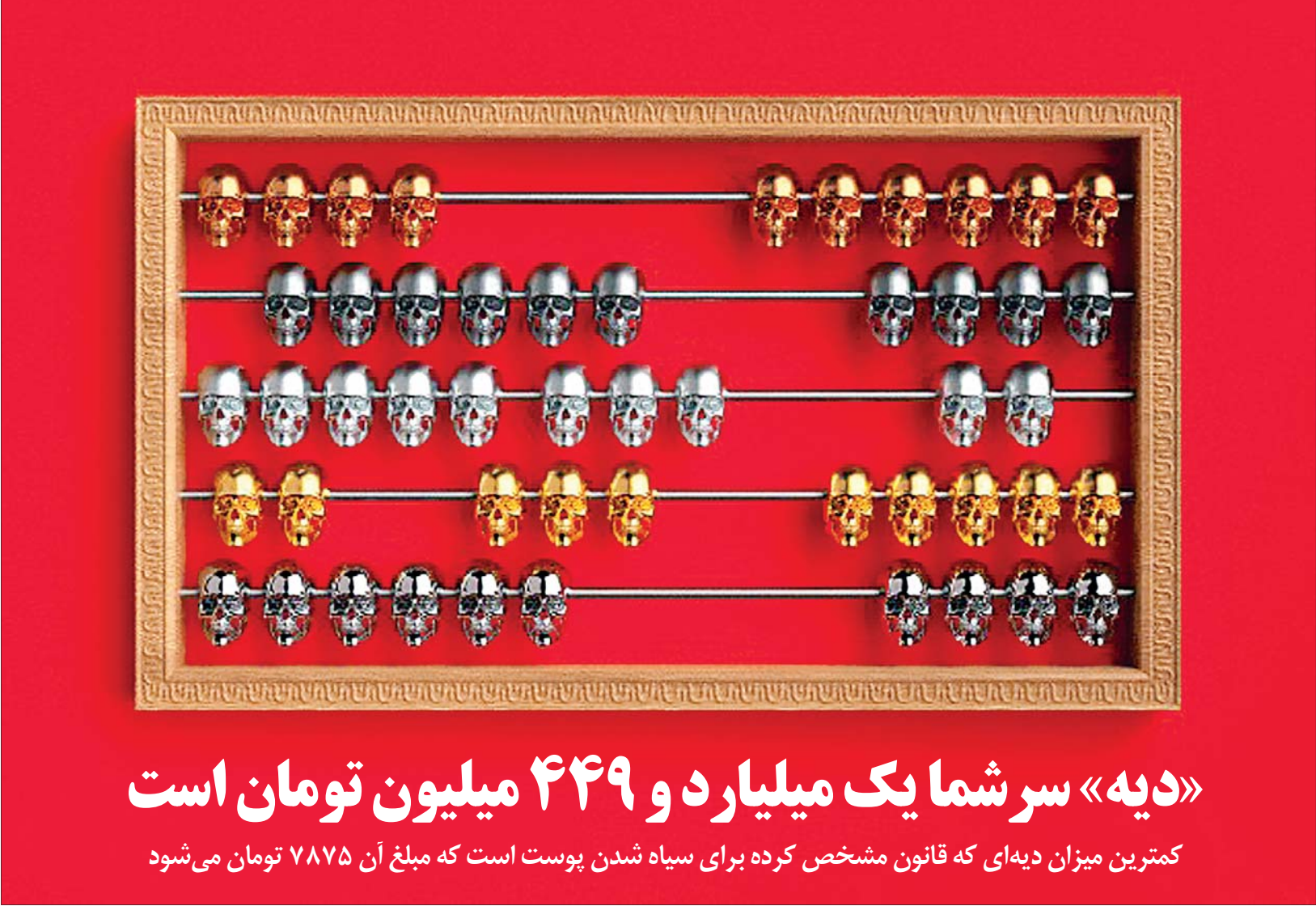
شرایط‌شاهد

در شاهد بلوغ، عقل، عدالت، ایمان و طهارت مولد شرط است. شاهد نباید در دعوی نفعی داشته باشد و همچنین شهادت کسانی که تکدی را شغل خود قرار دهند پذیرفته نمی‌شود.
بلوغ: شاهد باید بالغ باشد. منظور این است که به سنی رسیده باشد که بتواند اهمیت شهادت را بفهمد. سن بلوغ در پسر ۱۵ سال تمام قمری و در دختر ۹ سال تمام قمری است.
شهادت اطفالی که به این سن نرسیده‌اند فقط ممکن است جهت اطلاع شنیده شود.

عقل: در مورد پسری که به سن ۱۵ سال تمام و دختری که به ۹ سال تمام رسیده‌اصل بر این است که عاقل باشد و اگر کسی ادعای خلاف آن را کرد باید ثابت کند که به عنوان مثال این شاهد دارای جنون است.

ایمان:شاهد باید مسلمان باشد.

عدالت: عدالت یک صفت نفسانی است که باید با ترتیب درست به صورت یک ملکه ذهنی انسان درآید، تا بتواند بر امیال و غرایز نفسانی غلبه کند و مرکب گناهان کبیره نشود. عدالت با ارتکاب گناه کبیره از بین می‌رود. در این زمینه هیچ‌گاه اصل بر می‌رود. در این زمینه هیچ‌گاه اصل بر این نیست که هر کس به عنوان شاهد معرفی شد عادل است بلکه شرط عدالت باید برای دادرس اثبات شود. به عنوان مثال دادرس از قبل شاهد را می‌شناخته و می‌تواند تشخیص دهد که گواه دارای صفت عدالت هست یا نه، یا مردم جامعه شاهد را شخص معتبر و عادل نباشند یا وضع ظاهر او چنان باشد که همه بهیه او احترام بگذارند و گمان آن نداشته باشند که در عمل او گناه و جرم وجود دارد و...
طهارت مولد:منظور از طهارت مولد آن است که شاهد از رابطه نامشروع به وجود نیامده است و فرزند زنا نباشد. اصل بر طهارت مولد افراد است.
ذی‌نفع نبودن:باین‌معنا که شاهد نباید خود از این دعوا نفعی ببرد اما تشخیص اینکه در چه مواردی شخص می‌تواند ذی‌نفع تلقی شود به عهده قاضی گذاشته نشده است. مثلا بین شاهد و فرد نباید خویشاوندی نزدیک وجود داشته باشد یا عدم وجود دعوی بین شاهد با یکی از طرفین و...
تکدی‌گری: کسی که شغل خود را گدایی قرار داده نمی‌تواند به عنوان شاهد معرفی شود و در صورت معرفی، شهادتش پذیرفته‌نیست.



«دیه» سر شما یک میلیارد و ۴۴۹ میلیون تومان است

کمترین میزان دیه‌ای که قانون مشخص کرده برای سیاه شدن پوست است که مبلغ آن ۷۸۷۵ تومان می‌شود

همین حالت برای یاها هم صدق می‌کند. همین‌طور دیه قطع نخاع یا آسیب رساندن به ستون فقرات به شرطی که فرد بهبود پیدا نکند نیز یک دیه کامل است.

البته فکر تکنید قانونگذار به همین صورت کلی حکم صادر کرده و فقط به کلیات ماجرا توجه نشان داده است، وقتی برای بررسی جزئیات قانون مجازات اسلامی به فصل‌ها و ماده‌های مختلف آن رجوع می‌کنیم خواهیم دید که قانونگذار حتی ریزترین و جزئی‌ترین موارد را نیز از نظر دور نداشته است.

به عنوان مثال در فصل سوم که به مقدار دیه اعضا اختصاص یافته است، در میحث اول مربوط به دیه مو که ماده ۵۸۰ این قانون است این‌گونه آمده: «کندن یا از بین‌بردن تمام موی سرر یا ریش مرد، در صورتی که دیگر نتروید دیه کامل دارد، در این حکم فرقی میان موی کم‌پشت و پر پشت و کودک و بزرگسال نیست.» علاوه براین در ماده‌های ۵۸۱ تا ۵۹۰ به صورت جز به جز همه موارد و حالت‌های مختلف برای آسیب‌های وارده به مو در زن و مرد بررسی و لحاظ شده است.

البته فکر تکنید قانونگذار به همین صورت کلی حکم صادر کرده و فقط به کلیات ماجرا توجه نشان داده است وقتی برای بررسی جزئیات قانون مجازات اسلامی به فصل‌ها و ماده‌های مختلف آن رجوع می‌کنیم خواهیم دید که قانونگذار حتی ریز ترین و جزئی ترین موارد را نیز از نظر دور نداشته است

از ماده ۵۹۱ نیز میحث دوم که به چشم اختصاص دارد به دیه این عضو می‌پردازد. در این ماده نیز آمده است:«درآوردن یا از بین بردن دو چشم بینا دیه کامل و هر کدام از آنها نصف دیه دارد، چشم‌هایی که بینایی دارند در این حکم یکسانند هر چند میزان آنها متفاوت باشد.» در ماده ۵۹۴ این قانون نیز آمده است دیه هر یک از پلک‌های بالا یا پایین یک چهارم دیه کامل است، در این حکم میان پلک چشم بینا و پایینا فرقی نیست.
پس از آن و در ماده‌های ۵۹۶ و ۵۹۷ نوبت به بینی و محاسبه دیه آن می‌رسد. این ماده‌ها نیز این‌گونه نوشته شده است:«قطع کردن یا از بین بردن تمام نرمه‌ای که پایین استخوان بینی است دیه کامل دارد، همین‌طور شکستن بینی که موجب فساد یا از بین رفتن آن شود نیز شامل دیه کامل می‌شود.» قانونگذار ماده ۶۰۴ تا ۶۱۰ را نیز به محاسبه جزئیات دیه گوش اختصاص داده است، بر اساس آنچه در این قسمت آمده از بین بردن دو لاله گوش دیه کامل دارد و هر کدام به تنهایی نصف دیه را موجب می‌شوند.

حضور شهود تقلبی در دفاتر ازدواج و طلاق

چند می‌گیری، شاهد بشی؟

فروغ پژمان

آقای «بناهی» اعتقاد دارد وقتی قرار است یک روز نوشتن عرضه‌هایش را کنار بگذارد و از یک سر شهر به سوی دیگر برود، دست‌کم باید ۵۰۰ هزارتومان و در مجموع یک‌میلیون‌تومان برای دو شاهد طلاق تقاضا کند. او به آرامی توضیح می‌دهد تا امروز فقط یک بار و آن هم چندین سال پیش و با ۲۰ هزارتومان برای طلاق امضا داده است. او می‌گوید: «وقتی دلار و شیر و ماست و گوشت گران شده، این رقم منصفانه است. من هیچ‌وقت چنین کاری را انجام نمی‌دهم اما وقتی قرار است کار و زندگی‌ام را رها کنم و به عنوان شاهد جایی حاضر شوم پس بهتر است یک پول درست و حسابی هم بگیرم.» همگی آنها نسبت به روند شهادت و دآوری آگاهی کامل دارند. براساس مقررات طلاق، هر یک از زوجین باید یک نفر از آشنایان خود را به عنوان داور به دادگاه معرفی کنند. داور می‌تواند زن یا مرد باشد. داوران باید شرایطی همچون مسلمانی، آشنایی نسبی به مسایل شرعی، خلواذگی و اجتماعی، تاهل، تعهد و عدم اشتها به فسق و فساد داشته باشند. «زهره ارزنی» حقوقدان و وکیل دادگستری در گفت‌وگو با «شرق» با بیان اینکه در مساله دآوری، قانون در مرحله نخست تاکید به حضور آشنایان به عنوان داور دارد، گفت: «معمولا اگر برای دادگاه‌ها محرز شود که داورهای معرفی شده از طرف زوجین از نزدیکان‌شان نیستند، آنها را به عنوان داور نمی‌پذیرند.» همچنین ارزنی این‌طور ادامه می‌دهد که در صورت عدم دسترسی هر یک از زوجین به داور واجد شرایط، قانون تکلیف را مشخص کرده است، «به نفع طرفین نیست که داور را از بیرون بیاورند. در این مواقع دادگاه مبادرت به تعیین داور می‌کند و حق‌ال‌رحم‌ای را نیز درخواست می‌کند که در حدود ۲۰ هزارتومان است.» در عین حال در زمینه شاهد طلاق، طبق ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی، طلاق باید به صیغه طلاق و در حضور حداقل دو نفر مرد عادل که طلاق را بشنوند، واقع گردد. ارزنی وکیل پایه یک دادگستری با بیان اینکه در موضوعات دیگر، اگر ثابت شود که فرد به عنوان شاهد با پرداخت پول



آیا می‌دانستید بر اساس قانون دیه در مجازات اسلامی سر شما در گران‌ترین حالت یک میلیارد و ۴۴۹ میلیون تومان می‌ارزد؟ البته این به شرطی است که مرد باشید و همه موها، دو چشم، دو گوش، دو ابرو، چهار پلک، دو لب، همه دندان‌ها، زبان، فک پایین، بینی، گردن و عقلتان به صورت کامل از بین برود و سر آخر خودتان هم زنده بمانید، چرا که اگر از دنیا بروید به خودتان که هیچ، اما تنها چیزی که به ورثه خواهد رسید فقط یک دوازدهم این مبلغ است. بر اساس قانون مجازات اسلامی دیه هر کدام از موارد گفته شده برابر با یک دیه کامل است، منهای دو ابرو که دیه آن نصف دیه کامل است. دیه کامل نیز بر اساس قیمت تعیین شده توسط قوه قضایه در سال ۹۰ برابر با ۹۴ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان است. اگر شانس داشته باشید و بلایی که سرتان می‌آید در شما می‌شود ۹۴/۵ میلیون تومان، در این حالت اگر همه آن بلاهایی که ردیف کامل می‌شود ۱۲۶ میلیون تومان.

حالا اگر این قیمت را در ۱۱ مورد از ۱۲ مورد گفته شده که دیه‌اش کامل است ضرب کنید حاصل آن می‌شود یک میلیارد و ۲۲۳ میلیون تومان، قیمت دو ابرو را که می‌شود نصف دیه کامل در ماه حرام یعنی ۶۳ میلیون تومان هم اگر به این مبلغ اضافه کنیم قیمت دقیق سرتان می‌شود یک میلیارد و ۴۴۹ میلیون تومان.

این در حالی است که کلا شما اگر مستقیما این دنیا را ترک کنید فقط ۱۲۶ میلیون تومان بالای‌تان پرداخت خواهد شد. البته همان‌طور که گفتیم این حالت خوشبینانه‌ترین حالت ماجرا (به لحاظ اقتصادی برای شما) و بدبینانه‌ترین حالت ماجرا برای سلامتی خودتان و جیب مجرمی است که به شما آسیب زده است، چرا که اگر در ماه‌های غیرحرام آسیب ببینید یا از دنیا بروید دیه کامل شما می‌شود ۹۴/۵ میلیون تومان، در این حالت اگر همه آن بلاهایی که ردیف کردیم سرتان بیاید برای کسی که به شما آسیب وارد کرده است، یک میلیارد و ۸۶ میلیون و ۷۵۰ هزار تومان آب می‌خورد. این را هم بگویم که اگر زن باشید همه قیمت‌هایی که بالا گفته شد را باید تقسیم بر دو کرد چرا که بر اساس این قانون دیه زن نصف دیه مرد است.

حالا اگر سر را بی‌خیال شویم و برویم سراف بقیه اعضا و جوارح بدن هم بر اساس قانون مجازات اسلامی هر کدام یک قیمت دارد. مثلا دیه یک دست در صورتی که به صورت کامل قطع شود با کارآیی خود را از دست بدهد برابر با نصف دیه کامل است و بر همین منوال دیه هر دو دست برابر با یک دیه کامل،

خودشان را بی تفاوت نشان می‌دهند. می‌گویند کار آنها تأثیری در روند طلاق ندارد. یکی می‌گوید ما مثل مرده‌شور هستیم و نفعی نمی‌بریم. دیگری می‌گوید طلاق کراهت دارد اما زندگی سخت شده و خرج بالااست. فرقی نمی‌کند عرضه‌نویسی سالیخوره باشد یا جوانکی که حوالی دادگاه‌های خانواده پرسه می‌زند. تعدادشان آن قدرها زیاد نیست، اما اگر آدمی را سرگردان ببینند به سرعت خودشان را به او می‌رسانند تا شاید دکت مورد نظر آنها باشد. افرادی که کارند حضور در دفاتر ثبت طلاق و به شدت در دادگاه‌ها به عنوان شاهد و داور است. با «سلام و کراتان چیست» شروع و با بیان قیمت مورد نظر خداحافظی می‌کنند. نرخ امضای آنها حداقل ۵۰ هزارتومان است، اما در نهایت به ۵۰۰ هزارتومان هم می‌رسد. «علی اکبر» بازنشست‌ای ۶۲ ساله است که با ۱۰ هزارتومان در میلان ۱۵ خرداد، متن شکایت یا دادخواست می‌نویسد. اسم شاهد طلاق، را که می‌شوند با یادآوری اینکه طلاق، کار بایستهای نیست و چه بهتر که آدم برای چنین کاری شهادت ندهد، اعلام می‌کند که با ۵۰ هزارتومان به ازای هر شاهد در دفترخانه حاضر می‌شود و امضا می‌دهد. کمی آن‌طرف‌تر «مرتضی» گوشه‌ای نشسته است و در خلوت خودش سیگار می‌کشد. نرخ امضای مرتضی، سه برابر علی‌اکبر است. «۱۵۰ هزارتومان می‌گیرم. شاهد دوم را هم خودم گیر می‌آورم.» با چانه زدن حاضر است ۲۰ تا ۳۰ هزارتومان کمتر بگیرد. اما اعتقاد دارد جنگ اول به از صلح آخر. «اگر توافق دارند و واقعا می‌خواهند طلاق بگیرند ما می‌آیم. یک روز قبل هم باید زنگ بزنید. پول را هم همان‌جا در دفترخانه می‌گیریم.» در طرف دیگر خیابان و نزدیکی‌های دادگاه تجدیدنظر، دو مرد مسن که به فاصله دو، سه متری یکدیگر نشسته‌اند و مشغول نوشتن هستند حاضر نیستند شاهد طلاق باشند و فقط می‌گویند چنین کاری را دوست ندارند، اما همکار سوشمان نیازی به فکر کردن ندارد. بی‌درنگ می‌پذیرد و در ازای شهادت خود و دوستش ۲۰۰ هزار تومان حق‌ال‌رحمه می‌خواهد. اما